

نقش مدرسه و خانواده در پیشگیری از آسیب های فرهنگی و راه های مقابله با آن

نهیضت شیخعلی^۱، سجاد فرهنگ^۲

^۱ کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات عربی، دبیر عربی استان زنجان، منطقه زنجانرود

^۲ دکترای مدیریت رسانه، دانشگاه افسری امام علی علیه السلام

چکیده

در وضعیت کنونی کشور برخی از جوانان نسبت به گذشته تاریخی خود بی تفاوت شده اند و در بعضی از آنها میل به دنیای غرب و غرق شدن در فرهنگ غربی به وجود آمده است. آنچه امروز مهم است تهاجم فرهنگی و تسلط و غلبه یک فرهنگ بر سایر فرهنگها است که نمونه بارز آن روند رو به رشد تسلط فرهنگ استعماری غرب بر سایر فرهنگها در یکصد سال اخیر است. جنگ روانی، جنگ رایانه ای، جنگ اینترنتی و... همگی از اشکال جنگ نرم هستند که نظر می رسد نقش مدرسه و مربیان و دبیران و مدیران در شکل گیری و دفاع از فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی بسیار چشم گیر است. از آنجایی که دانش آموز به نوعی بیشترین زمان از زندگی خود را در خانه و خانواده و سپس در مدرسه می گذراند. بنابراین مدرسه و متولیان آن نقش بسیار مهمی در حفظ و صیانت از فرهنگ ایرانی و اسلامی را به عهده دارند. مساله فرهنگ طوری نیست که یک دفعه به وجود آید و یا با چند جمله مشورت از بین برود. حل مسائل و آسیب های فرهنگی مثل کندن یک صخره با سوزن است. موضوع فرهنگ و آسیب های فرهنگی در طول تاریخ وجود داشته است. لذا این مقاله سعی بر آن دارد با استفاده از شیوه تحقیق کتابخانه ای به بررسی آسیب های فرهنگی از گذشته دور و دوران اسلامی و هم چنین به شیوه های برخورد با تهاجم فرهنگی که پدیده عصر حاضر، و وسیله جدیدی در دست استعمار است بپردازد.

واژه های کلیدی: آسیب فرهنگی، شبیخون فرهنگی، تهاجم فرهنگی

مقدمه

دشمنان کشور عزیزمان ایران همواره با استفاده از شیوه ها و ابزارهای جنگ نرم در صدد ضربه زدن یا تضعیف ارکان جمهوری اسلامی می باشند و یکی از بهترین راهها و روشهای مقابله، دفاع و پدافند غیرعامل است. امروزه تهاجم فرهنگی از سوی کشورهای غربی در جهت ضربه زدن به فرهنگ ناب و اصیل ایرانی- اسلامی است و دشمنان با تهدید نرم و با استفاده از هر گونه اقدام غیر خشونت آمیز که ارزشها و هنجارها را مورد هجوم قرار می دهند و در نهایت منجر به تغییر در الگوهای رفتاری و خلق الگوی جدید می شوند که با الگوی رفتارهای نظام حاکم تعارض دارند. این جنگ نرم در مقابل جنگ سخت است که در حقیقت یک جامعه یا گروه مورد هدف قرار می گیرد و بدون درگیری نظامی رقیب را به انفعال یا شکست وا می دارد.

دشمنان با استفاده از کلیه امکانات کامپیوتری و اینترنتی و عکس ها و در تلاش هستند تا با تشکل های سازمان یافته خود تعادل شخصیتی و فرهنگی افراد را مسخ کنند و زمینه را برای سلطه فرهنگی خود مهیا سازند.

بنابراین برای مصون ماندن از شبیخون فرهنگی باید به تدوین استراتژی بلند مدت فرهنگی روی بیاوریم لذا باید نقاط ضعف و قوت فرهنگی و توانمندی های موجود خود را بشناسیم تا بتوانیم یک برنامه بلند مدت فرهنگی را طراحی کنیم در این میان نباید از نقش خانواده و مدرسه در حفظ و صیانت فرهنگی غافل شد.

تعریف آسیب شناسی فرهنگی

واژه آسیب شناسی از علوم پزشکی وارد علوم اجتماعی شده است و به معنای (بحث و مطالعه علل بیماری و عوارض و علائم غیر عادی می باشد) (اریان پور، ۱۳۸۵، ۳۳۰).

آسیب شناسی در زمینه مسایل روانشناسی، تربیتی و یا فرهنگی اصولاً به مطالعه و بررسی عوامل زمینه ساز و یا پدید آورنده و یا ثبات بخش روانی، فیزیولوژیکی، تربیتی و فرهنگی آفات و آسیب های موجود در آن زمینه می پردازد.

تاکنون تعاریف زیادی از فرهنگ ارائه شده است و هر کدام از صاحب نظران با توجه به قلمرو و میزان حضور فرهنگ در عرصه های اجتماعی و مادی و معنوی انسانی تعریف و برداشت خود را از فرهنگ ارائه داده اند (جانسون، ۱۳۷۸، ۸۷).

فرهنگ عبارتست از باورها و ارزشهایی که از جهان بینی انسانها نشأت می گیرد و در عرصه های مختلف زندگی انسان متجلی می شود. و درواقع فرهنگ میراث های یک جامعه است که با توالی زمان ها و نسل ها تشکیل یافته است (فصلنامه علمی – آموزشی فرهنگیان بسیجی، شماره ۱۰، سال ۴).

لذا آسیب شناسی فرهنگی به بررسی آفات و آسیب هایی می پردازد که رنگ و لعاب فرهنگی دارند و عناصر شکل دهنده و سازنده عادات، رفتارها و کنش های رایج افراد یک جامعه را تحت تاثیر قرار می دهند.

اهمیت و ضرورت آسیب شناسی فرهنگی

امنیت و ثبات فرهنگی و سیاسی مهم ترین و برجسته ترین چهره و درونی ترین لایه درونی نیاز امروز ملت و دولت به شمار می رود چرا که مولفه قدرت و ثبات فرهنگی و سیاسی هر ملتی بنیادی ترین مولفه اقتدار و استعداد و لیاقت آن ملت در بستر توسعه و تعالی در عرصه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و عقب ماندگی در تمامی عرصه های زندگی فردی و اجتماعی افراد جامعه را فراهم می آورد (انصاری، ۵۳، ۱۳۷۲).

هر گاه آسیب پذیری به دو عرصه فرهنگ و سیاست در جامعه راه پیدا کند باعث می شود سایر حوزه ها در چالشی فرساینده وارد شود و بستر و فضای مناسبی را برای رشد تمامی آثار شوم و وابستگی چون عقب ماندگی، مفاسد اجتماعی و ناهنجاری های گوناگون در کشور فراهم شود.

باید دانست که آسیب های فرهنگی و سیاسی متنوع هستند آنچه مسلم است، هیچ جامعه و سرزمینی را نمی توان مصون و مبرا از آسیب ها و بحرانهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و اقتصادی سراغ گرفت.

نقش عوامل مختلف در آسیب رسانی فرهنگی

هنگامی که از عوامل به طور عام، و اعم از داخلی و خارجی سخن به میان می آید منظور آن دسته از عواملی است که در ایجاد آسیب ها و یا در زمینه سازی برای بروز و ظهور آسیب ها نقش دارد و یا این که به گونه ای برانگیزاننده انواع آسیب ها تلقی می گردد. در این جهت عوامل شخصیتی نظیر قدرت طلبی، منفعت جویی، تجمل گرایی و.. همگی از عوامل آسیب رسان فرهنگی هستند که نهاد و ساختار فرهنگی یک نظام فرهنگی را به مخاطره می اندازند.

بنابراین زمانی که می گوئیم آسیب های فرهنگی داخلی منظور آسیب هایی است که در شخصیت افراد و روحیات آنان رسوخ کرده و در وجود انسان نقش بسته و رفتار وی را شکل می دهد (علیزاده، پروین، ۴۳، ۱۳۸۴).

اما زمانی که از عوامل خارجی تهاجم فرهنگی سخن به میان می آید منظور سلطه فرهنگی غرب بر فرهنگ اصیل و ناب ایرانی است در عصر حاضر که نظام سرمایه داری به سرپرستی امریکا با تک قطبی شدن جهان و فروپاشی رژیم شوروی سابق یک تاز عرصه جهانی شده است به شکل های مختلف می کوشد تا نظرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود را به دیگر کشورها تحمیل کند در این میان فرهنگ اسلامی توانسته است در صد سال اخیر در برابر این هجوم ها مقاومت کند و اصالت خود را حفظ کند.

بدین ترتیب استعمارگران اکنون به این نتیجه رسیده اند که بهترین راه نفوذ در سایر کشورها نفوذ در فرهنگ آنان و استحاله درونی آنان است، آنان می خواهند ارزشهای مورد پسند خود را، ارزشهای مرفعی جلوه دهند و جایگزین معیارهای بومی و فطری ملت ها سازند (خرم، ۱۳۷۸، ۱۵). و در صورتی که جوانان و نخبگان و توده های میلیونی مردم از این هشدارها غفلت نمایند پیامدهای ناگواری چون نابودی و ذلت گریبان جوامع اسلامی را خواهد گرفت و در این میان نباید از نقش خانواده و مدرسه به عنوان دونهاده اساسی در مقابله با تهاجم فرهنگی غفلت نمود. لذا در ذیل به نقش این دو نهاد در مقابله با آسیب های فرهنگی می پردازیم.

نقش خانواده در آگاه سازی و مقابله با آسیب های فرهنگی :

عقل و دین حکم می کند که پدران و مادران مسئول تربیت کودکان خود باشند و باید با نقشه و برنامه صحیحی تلاش کنند تا فرزندان شان از گمراهی و فساد برکنار مانده و افرادی برومند و ارزنده گردند. برای وصول به این هدف وظایف دشواری بر عهده آنان قرار گرفته است: در درجه اول سلامت و بهداشت و کودک و پس از آن اصول اخلاقی و ادب را به او بیاموزند و در خلال آموزش اخلاقی عملاً روح ایمان و خداپرستی را به او تزریق نمایند تا وی فردی معتقد و متکی به ایمان بار آید.

وظیفه پدر و مادر در اینجا به پایان نمی رسد بلکه وظیفه تربیتی دیگری را به عهده دارند، که باید به تدریج فرزندان خود را به زندگی اجتماعی آشنا سازند تا آنها بتوانند در مراحل حساس و خطیر با دیگران جوشیده، با دشواریها و ناهمواریهای اجتماعی سازگار باشند. بنابراین پدران و مادران علاوه بر مسئولیت های اخلاقی و دینی، وظیفه سنگین دیگری دارند که عبارت است از آشنا ساختن فرزندان به راه و رسم صحیح زندگی اجتماعی.

یکی دیگر از وظایف مهم والدین، تربیت دینی کودک است که از مهمترین وظایف محسوب می شود و اصولاً والدین از این امر و اهمیت آن غافل هستند. چرا که تنها مرحله ای که کودک جوان و نوجوان را در مقابل کلیه تهاجمات فکری و فرهنگی و

آسیب های روانی و انحرافات اخلاقی و اجتماعی حفظ می کند همین مرحله از تربیت است که به زبانی روان تر باید گفت پدر و مادر ثمره زحمات و دسترنج خود را در کنار این مرحله از فرزند خود باز می یابند.

پس پدران و مادران ارجمند نباید فقط حاصل تلاششان معرفت دینی باشد بلکه باید شاکله دینی باشد چرا که فرزندى که از زیر دست شما بیرون می آید و بعد به دبیرستان و دانشگاه و جامعه قدم می گذارد، نباید طعمه تهاجم فرهنگی بیگانگان قرار گیرد و خود را ببازد. بلکه اگر شاکله دینی و خودجوشی دینی داشته باشد تسخیر ناپذیر خواهد بود. به خاطر همین است که امام راحلمان نسبت به وظایف اولیاء و معلمین می فرمایند:

«برنامه طویل المدت ملت ما، برنامه دراز مدت ملت ما اینست که بچه های خودشان اینهایی که تحت تربیت خودشان، اینهایی که تحت تربیت آنها است. معلم های ما، مادرهای بچه های ما، معلم های بچه های ما، استادهای بچه های ما، نویسندگان برای بچه های ما، گویندگان برای بچه های ما، اینها معنویات را این ملت بفهمانند، آنها را با معنویات آشنا کنند.»

چرا که به فرموده امام: «شریف ترین شغل در عالم، بزرگ کردن یک بچه و تحویل دادن یک انسان است به جامعه، البته تربیت خانواده شاید مشکل ترین کار در دنیا باشد.» در واقع شبیه به درهم آمیختن در شرکت تجاری است که منابع خود را برای تولید محصول واحدی روی هم می گذارند. برای زن و مردی که مشترکاً پرورش فرزندى را از طفولیت تا نوجوانی متقبل می شوند نیز همه دردسره های بالقوه چنین شرکتی وجود دارد. مثلاً در امر تحصیل فرزندان به طور مثال «کینارد» در یکی از تحقیقات خود در سال ۱۹۷۵ دریافت که هرگاه والدین مشارکت خود را افزایش می دادند، دانش آموزان هم موفقیت تحصیلی بیشتری را از خود نشان می دادند. دانش آموزانی که همکاری والدینشان به طور غیر مستقیم بود، نمراتی به خوبی گروه اول نداشتند. این تحقیق نشان داد که هم میزان همکاری والدین و هم تداوم و استمرار آن، دو عامل مهم در پیشرفت تحصیلی فرزندان هستند.»

و این موفقیت بدست نمی آید مگر در سایه کانون گرم و پر محبت خانواده، که رابطه والدین نیز از صمیمیت خاصی برخوردار باشد و هر کدام حقوق اصلی خود را رعایت نموده و حریم حقوق قانونی خانواده را محترم بشمارند و علاوه بر اینکه تأکید زیادی به روابط حسنه داشته و با آیاتی از جمله "عاشروهنّ بالمعروف" دعوت به سازگاری اخلاقی می نماید. تهدیدات و مجازاتهایی را نیز برای اصلاح خانواده مقرر داشته است .

البته آنها که به سلامت و سعادت و تندرستی جسم و روان فرزندان‌شان علاقمند باشند هر آینه مراقبند که آسمان شفاف زندگی‌شان غبار کوچکترین گرد و خاکی، آن را آلوده و کدر نکند چرا که در سایه آرامش زندگی است که فرزندان به سعادت خواهند رسید و امروز نیز همین والدین هستند که در درجه اول باید جوانه‌های عزت و آزادگی فطری این نسل تازه را در سایه حمایت دست‌های کریم خویش از گزند طوفان تهاجم‌های بیگانگان از جمله تهاجم فرهنگی که چون موجی از سر انقلاب خواهد گذشت، حفظ کنند. بر مسئولان صالح و مصلح آموزش و پرورش کشور فرض است که این یاوران همیشه انقلاب را کمک کنند تا نسل آسیب‌پذیر جوان و نوجوان جامعه را در کشتی هدایت بنشانند و در صراط مستقیمی که خود به مقاومت در سنگرهای تلاش و تقوا بدان رسیده‌اند، راه برند.

نقش مدرسه در مقابله با آسیب‌های فرهنگی

مقام معظم رهبری فرموده‌اند:

مسئله فرهنگ و تعلیم، مسأله اول نظام است و برای بلند مدت هیچ چیز اهمیت فرهنگ و تعلیم و تربیت را ندارد و نقش مربی و معلم در طراز اول است و مبارزه با ظلم و قلدری شیاطین عالم، سنگر مدرسه و فرهنگ و تعلیم و تربیت است و دانش‌آموزان نونهالی که در اختیار دستگاه‌های فرهنگی هستند عظیم‌ترین و سرشارترین ذخیره هستند و باید قدر تعلیم و تربیت و معلم و سنگر فرهنگ را بدانید و قدر این خودسازی را بدانید. شما هستید که نقطه امید و روشن را در دل مستضعفان عالم روشن نگاه می‌دارید و این مطلبی اساسی است که همواره امام عزیزمان هم بر ضروریات آن تأکید داشته‌اند و از ضروریات انقلاب ما به شمار می‌رود. لذا سخنان و فرمایشات حضرت امام می‌بینیم که تأکید داشتند و باید توجه کنید که دوره مدارس مهم‌تر از دانشگاه است چرا که رشد عقلی بچه‌ها در این دوره شکل می‌گیرد باید سعی کنیم تا کسانی که فرزندان ما را فاسد بار می‌آورند به مدارس و دانشگاه‌ها وارد نشوند و در این امر مسامحه نباید کرد. ممکن است که الان کاری نتوانند بکنند ولی تا ده سال دیگر کارشان را انجام می‌دهند.» (پرتال امام خمینی(ره)).

و در جایی دیگر به وظایف معلمان و مسئولان خصوصاً آموزش و پرورش تأکیدات زیادی داشته و از نظر مقام معظم رهبری از مهم‌ترین وظایف وزارت آموزش و پرورش از بدو تأسیس آن، تأمین نیروی انسانی مورد نیاز و تربیت آن در مراکز تربیت معلم، دانشسراها و دانشگاه‌ها، و به روز درآوردن سطح دانش و آگاهی‌های معلمان از طریق آموزشهای ضمن خدمت بوده است.

چرا که با داشتن معلمان آگاه و دلسوز و متعهد است که می توان فرزندان کشور را متعهد و مقاوم ر برابر دشمنان تربیت نمود. حضرت امام(س) در اولین روز بازگشایی مدارس بعد از پیروزی انقلاب، برداشت خود را از جهت گیری سیاسی دانش آموزان، با کلام ذیل روشن می فرمایند:

«باید سراسر ایران با پاکسازی آموزش و پرورش از آثار فرهنگ استعماری، محیطی بوجود آورند که اطفال ما را شیر بچگانی که همیشه پشت جبهه مقاومت علیه آمریکا و صهیونیسم و سایر دول چپاولگر شرق و غرب نشسته اند تقویت کنید.»

و در جای دیگر تأکید داشتند:

«بنده دلم می خواهد شما جوانهای ما، شما دانشجوها، چه دختر و چه پسر و حتی دانش آموزان مدارس روی ریزترین پدیده های سیاسی دنیا فکر کنید و تحلیل بدهید که خلاف واقع باشد، خوب باشد، اشکال ندارد. خدا لعنت کند دستهایی را که تلاش کردند و می کنند که قشر جوان ما و دانشگاه ما را غیر سیاسی کند.»

من به همه مسئولین و دست اندرکاران سفارش می کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقاء اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزشها و نوآوریها همراهی کنید و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید.»

امام خمینی با شناخت عمیق از استعمار هر لحظه بر هوشیاری مردم سفارش می نمودند: «از جمله اینکه آنان (استعمارگران) می دانند اگر نوباوگان در مراکز آموزش تربیت صحیح شوند و حيله های استعمارگران را احساس و توطئه های همه جانبه آنان را لمس کنند در دانشگاه برای عمال استعمار، توفیق کمتری حاصل می شود ولهذا در دبستانها و قبل از ورود به دانشگاهها در ساختن جهان استعماری، شرق و غرب برای ورود به دانشگاهها اهميت خاصی احساس می کنند ... اکنون بر معلمان متعهد و مسئول دبستانی و دبیرستانی است تا با کوشش خود جوانانی را تحویل دانشگاهها دهند که با آگاهی از انحرافات گذشته دانشگاه بر فرهنگ غنی و مستقل اسلامی ایرانی تکیه کنند.» (پرتال امام خمینی(ره)).

با سخنان فوق به چند نکته اساسی پی می بریم:

۱- ارجحیت و اهمیت کار در قشر نوجوانان و جوانان، نسبت به سایر قشرها.

۲- استکبار جهانی برای رسیدن به هدف خود، چارچوب فکری قشر تحصیل کرده را از دوران ابتدایی و متوسطه شکل می‌دهد و چه بخواهیم و نخواهیم آنها برای این دوران برنامه ریزی داشته و دارند.

۳- امام در کلام خود ساده اندیشی و کوتاهی در این امر را خیانت عنوان نموده اند.

حضرت امام، علم و عمل در زندگی را با جهت گیری مبارزاتی طرح می فرمایند: یعنی روح مبارزه باید در علم اندوزی دانش آموزان نهفته باشد و شرایط اعم از کلاس و درس و مدرسه به عنوان سنگر مبارزه طراحی و برنامه ریزی گردد. مخصوصاً با توجه به وجود رسوبات فرهنگی استعماری که بین بعضی معلمین و اساتید، که هوشیاری دانش آموزان را می طلبد.

۴- برای رسیدن به ارتقاء اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان، باید وسیله ای فراهم شود هم از جنبه های مادی و هم از جنبه های معنوی، که چه بسا در کسب بهترین ارزشها و نوآوریها شرایط روحی و معنوی کارآمدتر باشد. امام به زنده کردن روح جستجو و کشف واقعیتها و حقیقت ها، تأکید می فرمایند:

«باید حس کنجکاوی و تحقیق در تمامی زمینه ها، برای دانش آموزان تقویت فرصت ابراز وجود پیدا کنند تا خودشان را باور داشته باشند. آیا زنده نگه داشتن روح توانایی و راه و رسم استقلال، جز با اعتقاد و بها دادن به آن در تمام امور میسر خواهد شد؟

فکرشان در مدارس ابتدایی و متوسطه درست شده است. به فکر دین و کشورمان صدمه های بی شمار زده اند. اگر چه ما مسئول آنچه در آن روزگاران بر ملتمان رفته است نیستیم لکن امروز رئیس جمهور و دولت و مجلس شورای اسلامی و تمامی متصدیان امر تربیت در مقابل خداوند قادر و توده های ملل مستضعف مسئول هستیم. مسامحه و سهل انگاری در تعلیم و تربیت، خیانت به اسلام و جمهوری اسلامی و استقلال فرهنگی یک ملت و کشور می باشد و باید از آن احتراز کرد.» (پرتال امام خمینی(ره)).

آری، دشمنان اسلام دست در دست یکدیگر به هر وسیله ممکن برای رسیدن به اهداف شومشان تلاش می کنند که فرزندان ما، نه تنها فرهنگ اسلامی را نپذیرند بلکه آنها را با فرهنگ غرب تربیت نمایند. از این رو امام عزیز فرمودند: «این شغل بزرگ را مبتذل کردند که از دامن مادر بچه صحیح بیرون نیاید. بعد که به دبستان می رود کمی تحت حمایت پدر می آید، پدر را هم یک کاری بکنند که توجهش به بچه نباشد تربیت نکند. بعد هم در دبستان و دبیرستان و بعد در همه جا و بالاتر از آن، اینها می خواهند که انسان در این کشورها نباشد. اگر انسان در این کشورها باشد دست آنها کوتاه خواهد شد.»

از آنجا بود که امام تأکید داشتند:

«مبادا اساتید و معلمینی که بوسیله معاشرتها و مسافرتها به جهان به اصطلاح متمدن، جوانان ما را که تازه از اسارت و استثمار رهیده اند تحقیر و سرزنش نمایند و یا خدای نکرده از پیشرفت و استعداد خارجیها بت تراشند و روحیه و تقلید و گدا صفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند، به جای اینکه گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا رفتیم، که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم به هویت انسانی توجه کنند و روح توانایی و راه و رسم استقلال را زنده نگهدارند. ما در شرایط جنگ و محاصره توانسته ایم آن همه هنرآفرینی و اختراعات و پیشرفتهای داشته باشیم. انشاءالله در شرایط بهتر زمینه کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می سازیم. مبارزات علمی برای جوانان زنده کردن روح جستجو و کشف حقیقتها و واقعیتهاست و اما مبارزه عملی آنان در بهترین صحنه های زندگی و جهاد شکل گرفته است.» (پرتال امام خمینی(ره)).

از آنجا که محیط مدرسه یک محیط اجتماعی است و دانش آموزان قسمت عظیمی از زندگی خود را در آموزشگاه ها و مدارس سپری می کنند، تأثیر آن بر شکل گیری و نگرش های افراد امری انکارناپذیر است و حداقل سه جنبه در رشد دانش آموزان دارد: ۱- رشد ذهنی ۲- تأثیر بر رشد اجتماعی کودکان ۳- تأثیر بر رشد عاطفی و به طور کلی، مدرسه عامل اساسی در تعلیم و تربیت رسمی است و یکی از هدفهای نظام آموزشی، پیوند دانش آموزان با برنامه های اجتماعی و اقتصادی جامعه است و از نظر اجرای آموزش، مداخلات تربیتی و سهولت بخشیدن به روابط درون گروهی دانش آموزان عاملی تأثیرگذار است.

در نهایت مدرسه می تواند در زمره عامل مولد و عامل متحدکننده و یا عوامل ظاهر سازنده در مسائل و مشکلات کودکان و نوجوانان و جوانان به شمار آید.

در محیط خانه و مدرسه که ذهن و روح کودک رشد می کند باید دقت شود که شیوه های تربیتی به نحو صحیح انجام پذیرد، چرا که فضای مدرسه باید فضای تربیتی باشد. فقط خوبی افراد نیست، بلکه هماهنگی هم لازم است و اولین اجتماع شکل گیری کودک در این دو مکان است و تربیت مهمترین اصل آن می باشد.

به فرموده حضرت امام: جمهوری اسلامی محتاج به تربیت و تزکیه است، آن علمی میزان است و آن علمی برای بشر سعادت است که تربیت در او باشد، که از مربی القاء شده باشد، از کسی که تربیت الهی شده است القاء شود به بشر، یک تربیت به صراط مستقیم باشد والا تربیت مسکو را نمی توانیم بپذیریم و تربیت واشنگتن را هم نمی توانیم بپذیریم.» (پرتال امام خمینی(ره)).

فرمان امام به تربیت دانش آموزان و حتی معلمان اشاره دارد به خاطر همین آنها را که معلمان نیکو تربیت می کنند ستوده اند و همچنین متذکر شده اند همه معلمان در فکر این باشند که خودشان را مهذب کنند تا حرفشان در دیگران اثر کند. معلمان و همه کسانی که در شغل معلمی به سر می برند باید بدانند که شغلشان بسیار مهم است. باید توجه کنند که بچه ها را از ابتدا خوب بار بیاورند که دانشگاه دیر است. معلمان باید احساس کنند که پیش خدا مسئولند. اگر بچه ها بد تربیت شوند اینها هم مسئولند. اگر در این مورد من و شما هم سکوت کنیم مسئولیم. همچنین فرمودند: همه می دانیم که سرنوشت یک کشور و یک ملت و یک نظام بعد از توده های مردم در دست طبقه تحصیل کرده است و هدف بزرگ استعمار، در بدست گرفتن مراکز این قشر است. کشور ما در دهه های اخیر هر چه صدمه دیده و رنج کشیده است از دست خائنین این قشر بوده است.

راهکارهای مقابله با تهدیدات و آسیب های فرهنگی

۱- توجه به جنبه تئوریک مدیریت فرهنگی: مشکل مدیریت امروزی جوامع غیر اسلامی بیشتر از نداشتن یک

تئوری جامع نگر پشتیبان است. که در کشور با توجه به مبانی اسلامی این مشکل وجود ندارد لذا باید در برنامه

های کشوری درمورد استراتژی و راهبرد کلی تصمیم گیری شود. دین گریزی امروزی جوانان عمدتاً به

خاطر این است که دستگاههای فرهنگی و اندیشمندان جامعه در بیان تئوریک زندگی انسان و هدف آن دچار ضعف

هستند. موسساتی که دائم در پی تعیین راهبرد و استراتژی در بخش های مختلف جامعه هستند فراوانند و تلاش

های زیادی هم انجام می شود ولی تا زمانی که این تلاشها توسط اندیشمندان و تئوری شناسان اسلامی هدایت

نشود به جای خوبی نمی رسد.

۲- توجه به رسانه های همگانی و مطبوعات: ما برای مقابله با امواج انبوه وسایل ارتباطی غرب که همه چیز ما را هدف

قرار گرفته اند، باید به تقویت و پیشرفت فرهنگ صنعت توجه بیشتر معطوف بداریم، از جمله مصنوعات فرهنگی مانند تلویزیون

و صنعت های وابسته به آن دانش های کامپیوتری، صنعت ویدیو و بعد ها ماهواره، اینترنت و... به شمار می روند و ضرورت دارد

که سیاست های فرهنگی هر چه بیشتر به موضوع صنعت فرهنگ و فراورده های آن توجه نشان دهند. (پهلوان ۱۳۷۷، ۳۳۷).

با تشکیل اتاق فکر از متفکران، صاحب نظران، روانشناسان و جامعه شناسان می توان شیوه و روشی نوین برای وسایل ارتباط

جمعی تدوین کرد که بتواند ضمن خنثی نمودن تهدیدات فرهنگی و اجتماعی دشمن به روشن نمودن افکار عمومی کمک کند

و به نوعی فرهنگ سازی انجام گیرد که همه تر فندها و تبلیغات استعماری در برابر آن کم رنگ گردد و حذف برنامه های آگهی

های تبلیغاتی که خود از برنامه های اقتصادی و فرهنگی دشمنان است ، می تواند به انسجام فرهنگی وعدم رشد مصرف گرایی کمک شایانی کند.

۳- **توجه به آموزش و پرورش:** بی شک یکی از مهمترین عوامل پیشرفت هر جامعه آموزش و پرورش آن جامعه است و تجربه نشان داده است که چگونگی وضعیت آموزش و پرورش در کشور های مختلف داستان رشد و انحطاط هر کشور در طول حیات تاریخی آنهاست ،جامعه ای پیشرفته وفعال است که سیستم آموزشی پیشرفته ومرتقی داشته باشد.

وزارت آموزش و پرورش به علت زیر پوشش قرار دادن حدود یک چهارم جمعیت کشور بودجه هنگفتی را به خود اختصاص داده است. با توجه به کمبود منابع مالی ، انسانی و کسری بودجه استفاده بهینه از منابع وامکانات موجود از اهمیتی خاص برخوردار است .ولی بدین معنی نیست که دولت با این منابع آموزش و پرورش را به حال خود بگذارد و به بهانه کمبود بودجه و منابع توجهی به ساختار و نیروی آن نکند.

چراکه آموزش و پرورش پایه و اساس پیشرفت و تعالی کشور است . دولت به جای این که فرهنگ سازی و مقابله فرهنگی با استعمار بیگانگان را به آموزش و پرورش که وظیفه اصلی آن می باشد محول کند ، فرهنگ سازی را به رادیو و تلویزیون و مطبوعات وا گذاشته است. اگرچه این روش در کوتاه مدت جواب می دهد ولی در بلند مدت نتیجه ای جز اتلاف منابع مالی نخواهد داشت. لذا توصیه می شود آموزش و پرورش را که بالفعل و بالقوه می تواند ریشه اکثر فسادهای اجتماعی را بخشکاند و حتی با انواع تهاجم فرهنگی و اقتصادی و حتی نظامی مقابله کند ، به حال خود رها نکند.

۴- **توجه به آموزه های دینی :** شعار معنویت گرایی و بازگشت به تعالیم اصیل اسلامی چون جهاد و شهادت به برکت پیروزی انقلاب اسلامی در هر کوی و برزن در مملکت ایران طنین انداز شده است . فرهنگ ایثار و مقاومت در راه خدا در اعماق وجود مردم ایران به ویژه جوانان این مرز و بوم نفوذ و رسوخ کرده است . بنابراین لازم است که متولیان امور کشور به ویژه در بخش فرهنگ رسالت و وظیفه خودشان را در ایجاد و گسترش معنویت و مبانی اخلاقی به کار گیرند و نباید لحظه ای از آن غافل شوند امام خمینی (ره) مراقبت از آموزه اسلام را لازم شمردند و تاکید کردند: اسلام اصلا برای آدم ساختن آمده است و این مکتب های انحرافی آدم را از آدمیتش بیرون می کند و مهم ترین چیزی که برای کشور ما لازم است تعهد و تهذیب اسلامی است (صحیفه نور ج ۱۳، ۱۴). بنابراین بنیادی ترین روش مقاومت فرهنگی گسترش شناخت معارف الهی و تعمیق باورهای اصیل مذهبی است زیرا فرد خداشناس و خدا باور به خود آگاهی و خود باوری می رسد و چنین فردی مقهور فرهنگ بیگانه نمی شود . هر فرد مسلمان در زمینه امور مذهبی ربه

سه مقوله دانش و بینش و گرایش نیاز دارد که ضعف و نارسایی در هر بخش شخصیت مذهبی فرد را آسیب پذیر می سازد .

پیشنهادهای و راهکارهای عملی:

-توجه به جنبه تئوریک مدیریت فرهنگی

-توجه و نظارت دقیق به رسانه های همگانی و مطبوعات

-توجه به آموزش و پرورش و تربیت معلمان حرفه ای

-توجه به آموزه های دینی برای آگاه کردن مردم

نتیجه گیری:

آنچه در این مقاله محقق شد این است که دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی به دنبال آسیب زایی در در کشور عزیزمان ایران هستند و در این راه از هیچ تلاشی دریغ نمی کنند و با استفاده از رسانه های جمعی شامل اینترنت تلویزیون و رادیو.. در صدد آسیب رساندن به فرهنگ اصیل و ناب ایرانی هستند . آنچه در این میان به روشنی واضح است این است که برای مقابله با تهدیدات و آسیب های فرهنگی باید به جنبه تئوریک مدیریت فرهنگی توجه نمود، بیشتر دین گریزی امروزی جوانان عمدتاً به خاطر این است که دستگاههای فرهنگی و اندیشمندان جامعه در بیان تئوریک زندگی انسان و هدف آن دچار ضعف هستند. و از طرفی دیگر آموزش و پرورش به عنوان نهادی که همواره باعث پیشرفت یا انحطاط جوامع بوده است نباید مورد غفلت قرار گیرد و یکی دیگر از دلایل این آسیب های فرهنگی برقرار نبودن عدالت سیاسی، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی در جوامع است، لذا اگر عدالت اجتماعی برقرار شود هیچگاه ترفندهای فرهنگی و اقتصادی دشمن نمی توتند بر فرهنگ ناب و اصیل ایرانی – اسلامی تسلط یابد.

منابع و مآخذ

- ۱- آریان پور، عباس و منوچهر. ۱۳۸۵، ۳۳۰. انتشارات علمی. تهران.
- ۲- انصاری، محمود. ۱۳۷۲، ۵۳. نشر مرکز. بازشناسی ایران و اسلام. تهران.
- ۳- پهلوان، علی. ۱۳۷۷، ۳۳۷. انتشارات طرح نو. تهران.
- ۴- جانسون، لزللی. ۱۳۷۸. منتقدان فرهنگ. ترجمه ضیا موحد. انتشارات طرح نو. تهران.
- ۵- خرم حسن. ۱۳۷۸، ۱۵. موسسه فرهنگی آینده پویان. تهران.
- ۶- عزیزاده، پروین. ۱۳۸۴. آسیب شناسی فرهنگی. نشر قزل قلم. تهران.
- ۷- صحیفه نور. ج. ۱۱۳، ۱۴. نشر آثار امام خمینی (ره). تهران.
- ۸- فصلنامه علمی - آموزشی فرهنگیان بسیجی. شماره ۱۰. سال ۴. تهران.
- ۹- پرتال امام خمینی (ره).